گزارش

آغاز انقلاب فیل مصری

سرانجام تب فراگیر انتفاضه تونس به مصر نیز رسید و مردم این کشور به خیابان‌ها آمدند و ارکان حکومت ۳۰ساله و تزلزل‌ناپذیر حسنی مبارک را به لرزه درآوردند. هرچند سازمان‌های امنیتی مصر از هیچ راهی برای سرکوب تظاهرات مصری‌های خواهان تغییر و دموکراسی فروگذار نکردند، اما مسلماً ۳۰ سال سرکوب، استبداد و اختناق، پایانی جز قیام و انتفاضه مردمی نخواهد داشت و به نظر می‌رسد تازه روزهای سخت و پربیم و هراس برای حکومت مصر آغاز شده است. به گزارش ایسنا، روزنامه فرامنطقه‌ای القدس العربی، در تحلیلی تحت عنوان «فیل مصری انقلابش را آغاز کرد» می‌نویسد: سوالی که در محافل سیاسی و رسانه‌ای دنیا و همچنین جهان عرب مطرح بود، این بود که کدام کشور شاهد انتفاضه‌ای مشابه انتفاضه تونس خواهد بود و در این میان مصر، اردن و یمن به دلیل بحران وضعیت معیشتی در این کشورها و درخواست ملت‌هایشان برای اصلاحات، جزء کشورهای کاندیدای این امر بودند. تظاهرات پرجنجالی که روز سه‌شنبه در بیش از پنج شهر مصر روی داد و هزاران تن از مردم این کشور به ویژه قشر جوان مصر در آن شرکت کردند، چه‌بسا سرآغازی برای انتفاضه پیش‌بینی‌شده و مورد انتظار دراین کشورباشد.

مصری‌ها از الگوی تونس الهام گرفته‌اند و این به وضوح در شعارهایی که تظاهرکنندگان در تظاهرات روز سه‌شنبه سردادند، مشاهده می‌شد؛ شعارهایی همچون «ای مبارک ای مبارک هواپیما در انتظار توست» یا «زین‌العابدین حالا نوبت کیست؟». وضعیت معیشتی در مصر سه برابر بدتر از وضعیت معیشتی در تونس است تا جایی که درآمد سالانه هر فرد در تونس حدود سه‌هزار دلار است، اما متوسط درآمد سالانه هر فرد مصری در بهترین شرایط از ۸۰۰دلار بالاتر نمی‌رود. بیش از ۶۰ میلیون مصری زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بر اساس معیارهای سازمان ملل متحد کمتر از دو دلار در روز درآمد دارند. چه‌بسا، نبود اصلاحات سیاسی، سرکوب شهروندان توسط نیروهای امنیتی و فاصله طبقاتی بین قشر ثروتمند و فقیر جامعه همه و همه جزء عواملی باشد که مصر را مانند دیگر کشورهای عربی به نقطه انفجار رسانده است.

مردم مصر به دلیل برخورد حقیرانه و نامناسب نظام حاکم‌شان احساس حقارت و اهانت می‌کنند و این احساس به شکلی آشکار در تحریم نسبی انتخابات اخیر مجلس شعب (مردم) مصر که به پیروزی حزب حاکم و کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان توسط این حزب انجامید، انعکاس یافت. نظام مصر از تحریم و بی‌توجهی مردمی به انتخابات درس نگرفت و تلاش کرد با تاکید بر شفافیت و سالم

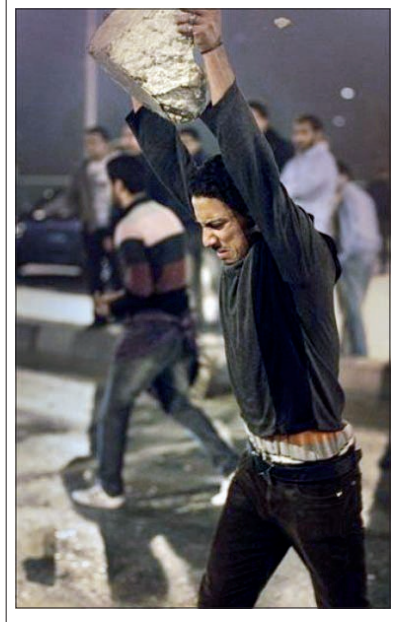

بودن انتخابات این بی‌توجهی را نادیده بگیرد و حتی از این فراتر رفته و با تقلب ساده‌لوحانه در انتخابات که به شکست نامزدهای دو حزب بزرگ این کشور یعنی اخوان‌المسلمین و الوفد انجامید، مردم را بیش از پیش تحقیر کرده و نادیده گرفت.

مردم مصر همانند ملت تونس فقط نان نمی‌خواهند بلکه عزت، آزادی و اصلاحات سیاسی می‌خواهند و نظام حاکم مصر آماده برآوردن این نیازها و خواسته‌ها نیست و با اقداماتش از جمله پافشاری بر شیوه سرکوب در تعامل با این تظاهرات اعتراض‌آمیز همچون گذشته این مساله را به اثبات رسانده است. در این میان، مساله قابل توجه حضور بیش از ۳۰هزار نیروی امنیتی در خیابان‌های اصلی قاهره برای سرکوب تظاهرات روز سه‌شنبه بود که حتی در برخی اماکن تعداد این نیروها بیش از تظاهرکنندگان بود، اما سخت است که بگوییم راهکاری که در گذشته نتیجه داد، در تظاهراتی مثل تظاهرات روز سه‌شنبه نیز نتیجه خواهد داد.

چرخه تغییر در مصر به حرکت درآمده است. درست است که حرکت آن کند و آرام است، اما مسلماً تاثیر آن بسیار قوی‌تر و بیشتر خواهد بود. مردم مصر از نظر حجم و بزرگی شبیه فیل هستند و فیل هنگامی که برخیزد هر آنچه را که بر سر راهش باشد، بدون رحم و شفقت نابود می‌کند. تغییر در مصر یعنی تغییر در کل منطقه و این همان چیزی است که هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا را به این امر واداشته که از تمامی طرف‌ها بخواهند خویشتنداری کنند. اما درخواست کلینتون کمی دیر مطرح شده است، زیرا ما معتقدیم خفقان در مصر بسیار شدید است و روزهای آینده پر از تحولاتی خواهد بود که امریکا و هم‌پیمانان اسرائیلی و عرب میانه‌رواش را در منطقه خوشحال و مسرور نخواهد کرد.

عکس: آیدین رهبر، شرق

خاطرات محمد صدر از دیدار با بن‌علی

ادامه از صفحه اول

بیانیه‌ای که بن‌علی روز اول ریاست‌جمهوری‌اش صادر می‌کند و از رادیو پخش می‌شود شامل موارد زیر است: قدردانی از حبیب بورقیبه و اعلام علاقه به وی و ذکر اینکه علت برکناری طبق ماده ۵۷ قانون اساسی یعنی کهولت سن و مریضی ایشان بوده است (قصد داشت تا بگوید من کودتا نکردم)، تاکید بر ایثارهای انجام شده جهت کسب استقلال و آزادی تونس، تاکید بر جلب اعتماد تمامی فرزندان تونس و اینکه در آینده هیچ جایی برای کینه و انتقام وجود نخواهد داشت، لزوم تجدیدنظر در قانون اساسی به منظور تغییر مفاد مربوط به ریاست‌جمهوری مادام‌العمر و وعده برگزاری انتخابات، (در قانون اساسی ابتدایی تونس یک نفر تنها برای سه دوره پنج‌ساله می‌توانست رئیس‌جمهور شود. یکی از کارهای بورقیبه این بود که قانون را تغییر داد و خود را رئیس‌جمهور مادام‌العمر اعلام کرد. بن‌علی روز اول اعلام کرد این قانون ملغی شده و دیگر رئیس‌جمهور مادام‌العمر نداریم)، تاکید بر حق مردم به دخالت در امور سیاسی و اقتصادی، تاکید بر دوستی سنتی بین ایالات متحده و تونس. بن‌علی این بیانیه را اعلام می‌کند و وعده آزادی و دموکراسی می‌دهد و با احزاب مختلف و مخالف میثاق ملی امضا می‌کند و مهم‌تر از همه حزب «اتجاه اسلامی» را که رهبر آن راشد الغنوشی بود دعوت می‌کند و در جلسه‌ای با هم میثاق ملی را امضا می‌کنند که همان تایید آزادی‌های سیاسی و آزادی گروه‌های مختلف و احزاب است و تمامی این کارها را انجام می‌دهد. وقتی بن‌علی آمد نه‌تنها مردم خوشحال شدند بلکه گروه‌های سیاسی مخالف هم اظهار خوشحالی کردند و به او قول همکاری دادند. بن‌علی وعده داد نظام حکومت فردی را لغو کند و اقدام به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی کند. او مساله تعدد احزاب و فعالیت گروه‌های سیاسی را مطرح و پایبندی خویش را به اصول دموکراسی اعلام کرد، اما بعد از دو سال تمامی اینها را زیر پا گذاشت.

اولین کاری که می‌کند این است که اعلامیه می‌دهد که معنایی ندارد ما حزب اسلامی داشته باشیم، ما همگی مسلمان هستیم و احزاب دینی باید کنار بروند. قابل ذکر است که این اسلامیون، همگی طرفدار فعالیت‌های پارلمانی و آزادی بودند و به هیچ‌وجه خشونت‌طلب نبودند. حزب «اتجاه ملی» که رهبر آن راشد الغنوشی بود برای اینکه این مشکل را حل کنند اسم حزب‌شان را عوض می‌کنند و می‌گذارند «النهضه». بن‌علی به مرور کارهایی انجام داد که جامعه هر روز محدود و محدودتر شد و در آخر هم دیدیم که ۲۳ سال رئیس‌جمهور بود و بسیار هم خشن عمل می‌کرد.

– سایت فارین پالیسی در تحلیلی نوشته بود آزادی‌هایی که بن‌علی در ابتدا داده بود در واقع کدهایی بود برای شناسایی احزاب و افراد مخالف و بعد دستگیری آنها. به نظر شما این تحلیل درست است یا تنها یک نگاه بدبینانه است؟

کسی که به عنوان رئیس‌جمهور جدید حکومت را در دست می‌گیرد برای اینکه آرای مردم و افکار عمومی را جذب کند باید یکسری حرف‌های مثبت زده و وعده‌هایی بدهد تا مردم به سوی او جذب شوند. بن‌علی هم در ابتدا مانند بورقیبه بسیار محبوب بود. وگرنه این احزاب مخالف مخفی نبودند که بخواهندشناسایی شوند. این احزاب در زمان بورقیبه هم وجود داشتند اما اجازه فعالیت نداشتند. من فکر می‌کنم این یک نگاه بدبینانه است. بورقیبه به مرور زمان به خاطر حس اقتدارگرایی تغییر جهت می‌دهد. در مورد بن‌علی نکته مهم این است که ظاهراً او ازدواج دومی داشته و همسرش که از لحاظ سنی بسیار از او کوچک‌تر بوده در مسائل مالی دخالت‌های زیادی می‌کرد. بر اساس خبرها گفته می‌شود که ۱/۵ تن یعنی هزاروپانصد کیلو طلا از بانک‌های کشور خارج کرده، البته نمی‌دانم این خبر درست است یا نه، اما به هر حال مشخص است که این خانم و اطرافیان رئیس‌جمهور سوءاستفاده‌های اقتصادی بسیار بالایی داشتند. البته این طبیعی است، چراکه وقتی قدرت سیاسی در یک نفر متمرکز شود در کنار آن فساد اقتصادی هم شکل می‌گیرد.

– از لحاظ اقتصادی تونس در زمان حکومت بن‌علی رشد خوبی داشته است به غیر از سال‌های اخیر که به دلیل بحران اقتصاد جهانی وضعیت اقتصادی تونس هم بد شد. سطح آزادی‌های اجتماعی هم بالا بوده است. اینکه این توسعه اقتصادی و اجتماعی با توسعه سیاسی و گسترش مشارکت مردم در تصمیم‌سازی‌ها همراه نبوده تا چه حد در بروز انقلاب در تونس موثر بود؟

هم بن‌علی و هم بورقیبه هر دو سکولار بودند، به صورتی که جلوی فعالیت‌های دینی را می‌گرفتند. دوم اینکه گرایش شدید غربی داشتند. در زمان بورقیبه این گرایش فرانسوی بود و در زمان بن‌علی، فرانسوی-امریکایی شد. اصل سیاست خارجی تونس این بود. به همین دلیل تنها کشور عربی بود که عضو پیمان مشارکت اروپایی شد. مبنای کار اقتصادی و درآمدهای ارزی تونس صنعت توریسم بود. من به تونس سفر کرده‌ام. تونس کشور کوچکی است و جمعیت کمی دارد اما هتل‌های بسیار زیادی دارد. تعداد هتل‌ها نشان می‌دهد کشوری است که برای جذب توریسم برنامه‌ریزی کرده است و طبیعتاً به همان نسبت سرمایه‌های خارجی را جذب می‌کند. این کشور هم به لحاظ طبیعی و هم به لحاظ سرمایه‌گذاری‌هایی که شده، زیباست. اگرچه بیکاری و مشکلات اقتصادی حداقل در یکی دو ماه اخیر باعث آغاز حرکت‌ها شد اما اگر دیکتاتوری سیاسی نبود نارضایتی اقتصادی به جایی نمی‌رسید. در حال حاضر مشکلات اقتصادی تقریباً در تمام کشورها وجود دارد و عمومی است. نه‌تنها بقیه کشورهای شمال آفریقا درگیر این مشکلات هستند حتی امریکا و غرب هم این مشکلات را دارند. مشکلات اقتصادی تنها جرقه‌ای بود که زده شد اما دیکتاتوری وحشتناک سیاسی بود که باعث شد تمامی مردم که از وضع موجود ناراضی بودند به این حرکت بپیوندند.

– دیکتاتوری و انسداد سیاسی در کشورهای عرب دیگری هم وجود داشته و دارد. پدیده روسای جمهور مادام‌العمر هم در این کشورها پدیده یگانه‌ای نیست. سوریه، مصر، یمن، عراق صدام و... نمونه این نوع حکومت‌ها در جهان عرب هستند. چرا این انقلاب تنها در تونس اتفاق می‌افتد؟ ساختارهای اجتماعی تا چه حد در این مورد تاثیرگذار بوده است؟

رژیم صدام و حزب بعث یک رژیم ناسیونالیستی افراطی و عربی بود و تقریباً در دنیا از لحاظ جنایت و آدمکشی نمونه نداشت. فقط می‌توان با استالین مقایسه‌اش کرد. وقتی دیکتاتوری از یک حدی بگذرد مقاومت‌ها را از بین می‌برد. نکته مهم‌تر اینکه رژیم بعثی عراق سوار بر اندیشه تفرقه‌گرایانه مذهبی بود و خودش را نماینده سنی‌های عراق معرفی می‌کرد که این سنی‌ها نسبت به شیعیان در اقلیت بودند. بعد از شیعیان هم جمعیت کردها بیشتر است و سنی‌ها در رده سوم قرار دارند. حزب بعث چه در داخل عراق و چه در خارج از عراق، اکثریت جمعیت سنی‌ها را با این ادعا که ما از شما دفاع می‌کنیم با خود همراه کرده بود و این همان چیزی بود که هنگام جنگ با ایران هم در جهان عرب جا انداخته بود. در واقع یک رژیم خشن و نژادپرست شوونیستی ایجاد کرده بود. البته حرکت‌هایی علیه صدام هم بود اما حزب بعث کوچک‌ترین حرکات را به شدت سرکوب می‌کرد و افراد را می‌کشت به گونه‌ای که بعد از کنار رفتن صدام چندین گور دسته‌جمعی از کشته‌های کردها و شیعیان پیدا شد. همان قضیه حلبچه نشان‌دهنده ماهیت صدام بود. کدام حاکمی حاضر است یکی از شهرهای خودش را بمباران شیمیایی کند. این خشونت وحشتناک باعث می‌شد زمینه‌های حرکت‌های مردمی از بین برود.

– و در مورد سوریه؟

در سوریه البته نارضایتی هست اما روش حکومتی متفاوتی دارند. در سوریه سنی‌ها را که اکثریت هستند در حکومت شریک می‌کنند. یعنی بسیاری اوقات نخست‌وزیر و وزرا سنی هستند و در اقتصاد به طور بسیار جدی سنی‌ها را شریک می‌کنند. تنها بخش امنیتی و ریاست‌جمهوری در دست علوی‌هاست اما این طور نیست که اکثریت سنی مشارکت نداشته باشند.

– شما احتمال گسترش و الگوگیری از انقلاب تونس در بقیه کشورهای عربی را تا چه حد می‌دانید؟

در تونس زین‌العابدین بن‌علی خیلی خشن بود. من دو بار با او ملاقات کردم. هنگام ملاقات با یک رئیس‌جمهور از در و دیوار قصر، برخورد افراد، دویدن افراد و نگرانی‌شان تا حد زیادی می‌توان به شخصیت آن رئیس‌جمهور پی برد و این نشان می‌دهد که چقدر از این آدم می‌ترسند و وحشت دارند. نحوه رفتارشان، تشریفات‌شان و پروتکل‌هایشان نشان‌دهنده این است. یکی از ویژگی‌های دیکتاتورها در سیاست خارجی این است که در ملاقات‌هایشان سعی می‌کنند افراد کمی شرکت کنند. مثلاً یک هیات که به کشورشان می‌روند فقط رئیس هیات و مترجم و شاید یک نفر دیگر را هم در جلسه قبول کنند، در حالی که در کشورهای دموکراتیک این‌گونه نیست. بار دوم که من با بن‌علی ملاقات داشتم در جلسه‌ای هم خودش بود و هم نخست‌وزیرش همین آقای غنوشی، نخست‌وزیر به لحاظ اجرایی یعنی نفر دوم بعد از رئیس‌جمهور، باور کنید این نخست‌وزیر مثل یک بچه صاف و دست روی پاها در کنار بن‌علی نشسته بود. یعنی وحشت می‌کرد که حرفی بزند یا حرکتی بکند. آن زمان دوران ریاست‌جمهوری آقای خاتمی بود و من به همکارانم می‌گفتم امکان ندارد در کشور ما یک کارمند وزارت امور خارجه وقتی پیش مقامات بالا می‌رود ترس و وحشتی داشته باشد. من همانجا متوجه شدم بن‌علی یک شخصیت خشن امنیتی نظامی و اطلاعاتی است و مسلماً با مردم هم همین گونه رفتار می‌کرد.

اندکی بعد من برای انجام ماموریتی دیپلماتیک به الجزایر سفر کردم. ملاقات من با بوتفلیقه رئیس‌جمهور الجزایر خیلی ملاقات خودمانی بود و سه ساعت و نیم طول کشید. معمولاً رسم است که روسای جمهور اگر با مقامی پایین‌تر از خود ملاقات کنند او را تا جلو در اتاق بدرقه می‌کنند اما بوتفلیقه من را تا جلو در کاخ ریاست‌جمهوری بدرقه کرد. در مصاحبه‌های مطبوعاتی هم معمولاً روسای جمهور فقط در کنار یک رئیس‌جمهور دیگر شرکت می‌کنند. اما بوتفلیقه کنار من ایستاد تا من مصاحبه مطبوعاتی کردم بعد من را سوار ماشین کرد و رفت. این ویژگی‌ها را اگر شما با رفتارهای امثال بن‌علی و قذافی که معمولاً رفتارهای بسیار بدی دارند مقایسه کنید متوجه تفاوت‌های زیادی می‌شوید. البته بیشتر کشورهای عربی مثل تونس نیستند. در کشورهای عربی اصطلاحی وجود دارد به نام «جوله» به معنای گردش در کشور. خیلی اوقات که ما برای ملاقات با سران کشورهای عربی به آن کشورها سفر می‌کردیم آنها در جوله بودند. اینها در شهرهای مختلف می‌رفتند و با مردم تماس برقرار می‌کردند. امیران این کشورها می‌گویند ما دموکراسی مخصوص خودمان را داریم و سعی می‌کنند رضایت مردم را جلب کنند. عمدتاً هم به لحاظ اقتصادی این کار را می‌کنند. مردم کشورهای عربی هم عموماً وقتی مشکلات اقتصادی نباشد خیلی دنبال دموکراسی و آزادی نیستند، تنها در حدی درخواست‌های آزادی و دموکراسی دارند که برای رژیم‌های پادشاهی هم قابل قبول است. نمونه‌اش در کویت و عمان. اینها موهبتی که شامل حال‌شان شد انقلاب اسلامی ایران بود. انقلاب ایران کشورهای عربی را بر سر عقل آورد و به این نتیجه رساند که اگر شما هوای مردم‌تان را نداشته باشید پیام انقلاب می‌آید بدون اینکه کسی بخواهد پیام صادر کند. اینها بر سر عقل آمدند و شروع کردند به انجام کارهایی برای جلوگیری از ایجاد انگیزه‌های انقلاب در مردم. مهم‌ترین این اقدامات با توجه به شناختی که از مردم خود داشتند تامین خواسته‌های اقتصادی آنها بود. مثلاً در حال حاضر وضع شیعیان عربستان با زمان قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. در عرض این ۳۰سال رسیدگی زیادی به آنها شده و تا حدی هم در کارهای سیاسی مشارکت داده می‌شوند. آن موقع که من معاون عربی وزارت خارجه بودم سفیر عربستان سعودی در ایران یک شیعه بود. این به خاطر بر سر عقل آمدن اینها بود. تنها کشوری که شباهت‌هایی به تونس دارد و احتمال تکرار وقایع تونس در آن وجود دارد مصر است. مصر یکی از فرهنگی‌ترین کشورهای جهان عرب است. افراد فرهیخته و دانشمندان زیادی دارد. در عین حال احزاب و گروه‌هایی دارد که همیشه فعال بوده‌اند و همیشه هم ممنوع بودند و از سوی دیگر مردمان بسیار فقیری دارد. در مصر فقر بیداد می‌کند و همزمان دیکتاتوری بسیار خشن و حکومت امنیتی وجود دارد. سطح فرهنگی مردم مصر هم از مردم بقیه این کشورها بالاتر است.

– شما چه آینده‌ای را برای تونس پیش‌بینی می‌کنید؟

در حال حاضر چون احزاب مختلف وارد حکومت شده‌اند این موضوع را درک می‌کنند که حکومت انتقالی آن حکومتی نیست که خواسته انقلابیون باشد. آخرین خبر این بود که رئیس‌جمهور موقت و نخست‌وزیر هر دو از حزب «دستور» استعفا دادند یعنی به خاطر پاسخ گفتن به خواسته‌های مردم که حزب دستور را عامل دیکتاتوری می‌دانستند از این حزب استعفا دادند. این به هر حال حرکت مثبتی در جهت خواسته‌های مردم است. ما امیدواریم چرخه معیوب گذشته یعنی یک مرحله آزادی و بعد دیکتاتوری در تونس تکرار نشود و ان‌شاءالله آزادی و مردم‌سالاری در تونس برقرار شود.

یادداشت

قدرت مردم و اراده تغییر رمز پیروزی تونسی‌ها

اردشیر زارعی‌قنواتی

تونس همچنان ملتهب است و «انقلاب یاس» این کشور که به فرار «زین‌العابدین بن علی» رئیس‌جمهوری مخلوع به کشور عربستان منجر شد، پایان کار نخواهد بود. انتخاب «فواد المبزع» رئیس پارلمان به عنوان رئیس‌جمهوری موقت و تشکیل دولت به نخست‌وزیری «محمد غنوشی» که در طول ۱۱ سال گذشته این پست را در اختیار داشته است، با توجه به ترکیب کابینه پیشنهادی وی ظاهراً جنبش اعتراضی مردم تونس را قانع نکرده است. با استعفای چهار تن از وزرای وابسته به اپوزیسیون و قدرتمندترین تشکل کارگری – سندیکایی کشور از عضویت در دولت غنوشی، از همان ابتدا این کابینه انتقالی را با بحران مشروعیت روبه‌رو کرد. بعد از سه روز آرامش به واسطه اعلام عزای عمومی جهت بزرگداشت جان‌باختگان جنبش مردمی از روز یکشنبه ۲۳ ژانویه بار دیگر به دعوت اتحادیه سندیکاهای کارگری تونس (یوجی‌تی‌تی) معترضان به خیابان بازگشتند. حرکت معترضان به سمت خیابان‌های پایتخت در قالب «کاروان آزادی» با شعار و درخواست انحلال کابینه به دلیل حضور مقامات پیشین در مسندهای حساس وزارتی با پیوستن بخش عمده‌ای از پلیس کشور به آنان، نشان می‌دهد اصلاحات انجام‌شده در قالب ساختار قبلی برای مردم پذیرفتنی نبوده است. اظهارات محمد غنوشی مبنی بر اینکه وی بعد از برگزاری انتخابات از عرصه سیاسی کشور خارج می‌شود و همچنین استعفای نخست‌وزیر و رئیس‌جمهوری موقت از حزب حاکم «جنبش دموکراتیک قانون اساسی» نیز نتوانسته است خشم مردم را از نظم کهن فرونشاند. طی روزهای گذشته همچنین بسیاری از وابستگان و اعضای خانواده بن‌علی بازداشت شده و نیروهای عضو گارد ریاست‌جمهوری و لباس شخصی‌های حامی رئیس‌جمهوری مخلوع که باعث غارت‌ها و هرج و مرج‌های روزهای بعد از فرار دیکتاتور بوده‌اند، سرکوب شده‌اند. ارتش نیز از همان ابتدای جنبش مردمی نه‌تنها در سرکوب شرکت نکرد که حتی نشانه‌های روشنی از همراهی با مردم را از خود بروز داد تا بقایای رژیم سرنگون‌شده و حاکمان موقت این کشور بدانند که برای مقابله با خواست توده‌های مردم فاقد هرگونه ابزار لازم خواهند بود. در شرایطی که دولت موقت فاقد مشروعیت لازم بوده، مردم معترض به صورت اکتیو در خیابان حضور دارند و ابزار سرکوب از دست حاکمیت خارج شده است، هر لحظه باید در انتظار فروپاشی دولت یا حداقل تغییرات مورد نظر معترضان در ساخت کابینه موقت بود. وضعیت در تونس تحت هیچ شرایطی منطبق بر اصلاحات در چارچوب سیستم موجود نخواهد بود و این کشور در مسیر یک انقلاب و تغییر اساسی ساختاری حرکت می‌کند. اینکه مسیر این تغییرات به کدام سمت حرکت کند و چه نیروهایی به عنوان آلترناتیو، هویت ساخت نوین را شکل دهند، بستگی به خواست توده‌ای مردم و تحولاتی دارد که در آینده رقم می‌خورد. از آنجا که جرقه انقلاب تونس در چارچوب مطالبات اقتصادی و سیاسی به طور همسو رقم خورده است، بدون پاسخگویی نظم نوین به این مطالبات دوگانه آرامش به این کشور بازنخواهد گشت و شکل‌گیری ساختار رفرمیستی همچون دولت محلل محمد غنوشی جواب مساعد به خود نمی‌گیرد. تجربه نشان داده است اصلاحات اقتصادی نولیبرال مدنظر نهادهای مالی بین‌المللی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در شرایط کنونی برای حذف یارانه‌های دولتی، هم‌راستا با خواست و مطالبه اکثریت مردم و طبقات اجتماعی نبوده است. این تناقض و پارادوکس بین توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در یک سیستم غیردموکراتیک با مطالبات مردمی، در مسیر اعتراضات جنبشی، تبدیل شدن به یک موج قدرتمند برای تغییر در کلیت ساختار حاکم را فراهم می‌آورد. فروکش و فراکش چنین موجی برای ایجاد تغییر همان گونه که امروز در تونس اتفاق افتاده است، همراهی اکثریت طبقات و لایه‌های اجتماعی در کنار گسست و شکاف طبقه حاکمه، سیر منطقی فروپاشی را به دنبال خواهد داشت. در شرایطی که قدرت قهریه به عنوان آخرین حلقه جهت حفظ نظم موجود توان بازدارندگی خود را از دست داده است، راه برای تعمیق جنبش و تعیین تکلیف نهایی نهاد ملت با نهاد دولت فراهم می‌شود. تونس امروز را باید در این نقطه و در مرحله تحول سیاسی – اجتماعی مورد ارزیابی قرار داد چرا که تمام مدارک و شواهد عینی نیز نشان‌دهنده پدیده نوین ساختارشکنی بوده است. در این وضعیت، زمان برای نظم کهن جهت اصلاح درون‌سیستمی و پاسخ حداقلی به مطالبات ملی به سر رسیده است و تمکین دموکراتیک به خواست مردم بهترین شکل برای حفظ ثبات در ساخت ملی تلقی می‌شود. دولت محمد غنوشی در چارچوب ساخت معیوب کنونی هرگز قادر به پاسخگویی به شعارهای مردمی مبنی بر «نان، کار و آزادی» نبوده و با چینش یک کابینه نامحبوب از دید معترضان، چاره‌ای به غیر از تغییر اساسی یا انحلال در آینده نزدیک ندارد. مرحله حذف بن‌علی برای جنبش مردمی تونس پایان یافته است و هم‌اکنون تحولات در مسیر گام‌های بعدی قرار گرفته است و به همین لحاظ تاکید هیات حاکمه فعلی بر فراماسیون قبلی در موقعیت بعدی به هیچ وجه جواب مطلوب نخواهد گرفت. این وضعیت از آنجا که تونسی‌ها یک تجربه موفق از قدرت مردم و اراده برای تغییر را کسب کرده‌اند هرگونه راه برای بازی‌های رفرمیستی و انفعال‌سازی جنبش اعتراضی را از دولت موقت سلب می‌کند. این جنبش از موضوع «زمان» برای رسیدن به خواست خود به بهترین شکل ممکن استفاده کرده است و به همین دلیل چنین برگ مهمی برای بازی متقابل نظم موجود، یک برگ سوخته به حساب می‌آید. بیشترین خطر برای جنبش مردمی تونس در انحراف مسیر دموکراتیک آن به سمت جنبش‌های پوپولیستی و بنیادگرای خاص منطقه و عربی – اسلامی موجود است وگرنه بلوکه کردن و جهت‌دهی سکوت در جنبش تونس مربوط به دوره‌ای است که به تاریخ پیوسته است.